

امام حسن (ع):

کسی که در دلش هوایی جز خشنودی خدا خطور نکند، من ضمانت می‌کنم که خداوند دعایش را مستجاب کند .



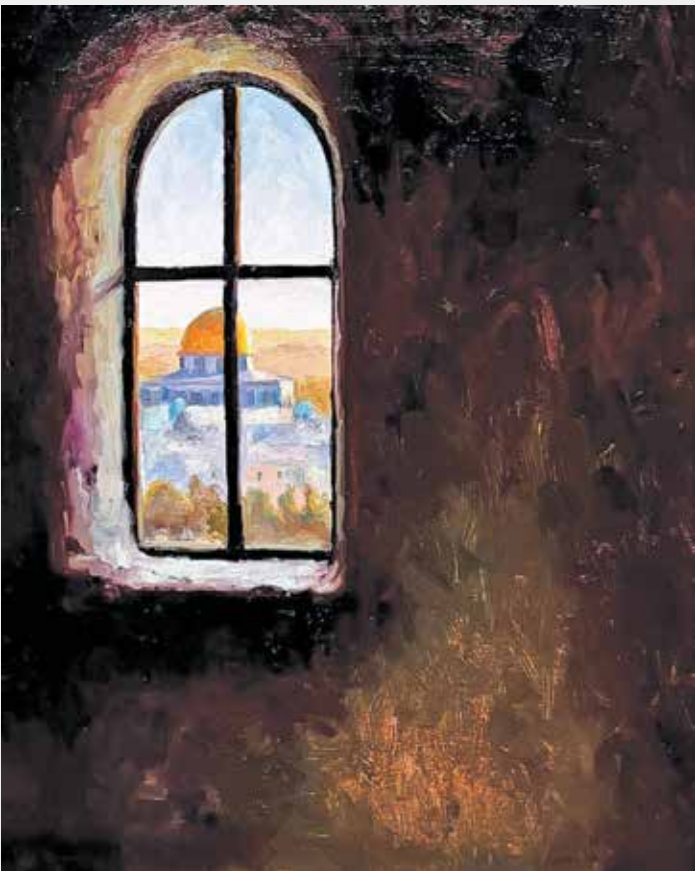
سخن‌روز

بحارالانوار

نگاره

ای زیبایی محاصره شده در سیاهی

نزار قبانی



طراح: Safia Latif

فضای مجازی

ادای احترام به استاد «فانی»

در میان اهالی کتاب و رسانه، اسدالله امرایی از جمله افرادی است که حضور پررنگی در شبکه‌های اجتماعی دارد؛ بخشی از مطالبی که این مترجم در صفحه خود به اشتراک می‌گذارد، یادآوری رازورز یا گرامی‌داشت نویسنده‌گان و هنرمندان داخلی و خارجی است. او در تازه‌ترین پست خود تصویری از کامران فانی، نسخه‌پژوه سرشناس را منتشر کرده است. امرایی در توضیح این عکس نوشته است: «استاد کامران فانی که آدم از مصاحبت با ایشان خسته نمی‌شود.» فانی در ابتدا تحصیل در رشته پزشکی را آغاز می‌کند اما بعد از چند سال به عشق فرهنگ و فعالیت در حوزه کتاب، پزشکی را رها کرده و به دانشگاه تهران می‌رود. او طی سال‌های تحصیل در دانشگاه تهران از محضر بزرگانی چون عبدالحمین زرین‌کوب، ذبیح‌الله صفا، پرویز ناتل خانلری، بدیع‌الزمان فروزانفر و جلال‌الدین همای بهره برده است. فانی از جمله افرادی است که شخصیتی چندوجهی دارد؛ از یک سو نسخه‌پژوهی پیشکسوت و از سوی دیگر نویسنده و مترجمی گزیده‌گار است. او در تألیف چند دایرةالمعارف همچون دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی همراهی داشته است. کامران فانی در عرصه کتاب‌شناسی و کتابداری نیز چهره شناخته‌شده‌ای است.

چرا پز اتفاقات مردمی خوب را نمی‌دهیم؟

پوریا عالمی، نویسنده و روزنامه‌نگار، تازه‌ترین پست خود را در شبکه‌های اجتماعی به انتشار تصویری اختصاص داده که صف مردم علاقه‌مند برای بازدید از موزه هنرهای معاصر تهران را نشان می‌دهد و در توضیح آن نیز نوشته است: «یک سؤال ساده دارم. اول بگویم من هم از خیلی چیزها خسته‌ام و هر روز گرفتار چیزهایی هستم که کار و زندگی کردن را برابم سخت و طاقت‌فرسا می‌کند، اما سؤال این است: چرا اگر یک اتفاق بد در این سرزمین بیفتد، هم حاکمیت در تلویزیون و همه رسانه‌های آن و هم حاکمان حاکمیت در تلویزیون ماهواره‌ای و باقی مדיاها و صد البته خود ما مردم عادی در اینستاگرام و توییتر و میهمانی و تاکسی دربارهاش حرف می‌زنیم و نتیجه می‌گیریم اینجا جای زندگی نیست؟» در بخش دیگری از نوشته عالمی آمده است: «سؤالم به همین سادگی است: چرا وقتی این همه اتفاق ریز و درشت زندگی بخش زندگی‌ساز در این سرزمین می‌افتد صدایش را در نمی‌آوریم، پوشش نمی‌دهیم؟ چرا قایمکی زندگی می‌کنیم؟ مثلاً این استقبال که از موزه هنرهای معاصر شد و یک هفته تمدیدش کردند، جز ما مردم چه کسی در آن دخیل بوده؟ چرا پزیش را نمی‌دهیم؟ چرا دست بچه‌مان را نمی‌گیریم، ببریمش توی صف موزه، آن هم در سرزمینی که صف جز معنای بدبختی و رنج چیزیی با خود ندارد. خبر قطع درختان خیابان ولیعصر را بولد می‌کنیم که باید بکنیم، اما چرا خبر رویش دوباره این شهر را که می‌خواهد زندگی کند، به خبر پنهان کوچک و ساده‌ای زندگی کند، خبر زنده بودن مردم این سرزمین را تپت نمی‌کنیم؟ سؤال این است: خودمان هیچی، چرا همین چیزها، همین کورسوها، همین نمادهای ساده زندگی را زیرش خط نمی‌کشیم و پزش را به بچه‌مان نمی‌دهیم؟»

معمارهایی که شهر را زیبا می‌کنند

رامبد جوان که این روزها فیلم سینمایی «زودیز» با پیازی نوید محمدزاده و محسن تائبنده را روی پرده اکران دارد، تصویری از برج آزادی در برج آزادی به اشتراک گذاشته و نوشته است: «خوب و سالم و امن باشین. این زاویه از برج آزادی زیبا رو وقتی رفته بودم برای دیدن سالن نمایشش و بخش‌های دیگه‌اش عکس گرفتم، چند ماه پیش، «امیر دودو» به علت مهاجرت مثل اخراجی‌های سه با احترام تقدیم می‌کنم به همه معمراهایی که شهرها رو برای ما زیبا و به‌یادموندنی می‌کنن.»

واکنش دهنمکی به اخبار منتشر شده درباره «اخراجی‌ها»

پس از اخبار منتشر شده مبنی بر عدم تمایل امین حیایی و کامبیز دیرباز برای حضور در قسمت تازه «اخراجی‌ها» و درس‌های تولید آن برای مسعود دهنمکی، این کارگردان به اخبار منتشر شده واکنش نشان داد. او در اینستاگرامش نوشت: «اخراجی‌های چهار اسپیناچی از اخراجی‌هاست که مثل قسمت‌های قبلی حول یکی از شخصیت‌ها روایت می‌شود، با ترکیبی از بازیگران قدیمی و جدید. در این قسمت که در زمان معاصر روایت می‌شود، مجید سوزوکی که شهید شده و آقای فضل، «امیر دودو» به علت مهاجرت مثل اخراجی‌های سه حضور ندارند و در مورد بازیگران دیگر هم بر خلاف خبرسازهای طبع فیلمنامه همگی اعلام حضور کرده‌اند و فقط زمان هماهنگی برنامه‌ها مهم است.»

نقل قول

سرمایه‌گذاری در حوزه فیلم‌های ورزشی ناچیز است

حالا که در آستانه برگزاری چهاردهمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های ورزشی هستیم، بد نیست به چند نکته در همین رابطه اشاره کنم. مهم‌ترین مسأله آن که شرایط برای ساخت فیلم‌های ورزشی به نسبت دیگر ژانرها کمتر فراهم می‌شود و سرمایه‌گذاری در این حوزه ناچیز است. برای ساخت آثار معمولاً باید تولیدکننده و سرمایه‌گذاری مثل تلویزیون وجود داشته باشد تا از فیلمسازان جوان بخواهد چنین فیلم‌هایی را به تولید برسانند در غیر این صورت، افراد به خودی خود به سمت ساخت و تولید فیلم‌های ورزشی نمی‌روند.

اما در خصوص اینکه کدام‌یک از نهادهای پیش از همه مسئول سرمایه‌گذاری در این حوزه هستند، باید به وزارت ورزش و جوانان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صداوسیما اشاره کرد؛ این‌ها باید در ساخت آثار ورزشی سرمایه‌گذاری کنند تا فیلم‌های بیشتری در این زمینه داشته باشیم، البته من به شخصه تا به حال به فکر ساخت فیلم ورزشی نیفتاده‌ام و چندان هم به این حوزه علاقه‌مند نیستم.



یادداشت

بخشی از گفته‌های پوران درخشنده، کارگردان سینما در ایسنا

نگاهی به «نیلگون» اولین تجربه بلند سینمایی حسین سهیلی‌زاده که به اکران آنلاین رسید

عاشقانه‌ای نه چندان آرام



محمد جلیلود

روزنامه‌نگار

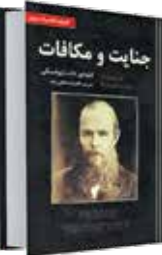
ملودرام‌های عاشقانه به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های ملودرام، طرفداران زیادی در جهان داشته و بخشی از آثار ماندگار تاریخ سینما را رقم زده است. در سینمای ایران نیز به نمونه‌هایی از آن با کیفیت‌های متفاوت برخورد می‌کنیم که تنها برخی از آنها در گذر زمان مخاطبان پروپاقرصی پیدا کرده و به فیلم کالت تبدیل شده‌اند که از شاخص‌ترین آنها می‌توان به «لیلا» ساخته داریوش مهرجویی، «شب‌های روشن» ساخته فرزاد مؤتمن و «شوکران» به کارگردانی بهروز افخمی اشاره کرد که همگی آنها از مؤلفه‌های این ژانر در شکل دادن قصه خود به بهترین وجهی استفاده کرده‌اند. این قبیل آثار در سریال‌های تلویزیونی نیز حضوری پررنگ داشته و بخشی مهمی از تولیدات چهار دهه گذشته شبکه‌های مختلف را به خود اختصاص داده‌اند. حسین سهیلی‌زاده یکی از شاخص‌ترین کارگردان‌هایی است که تقریباً اغلب آثارش در زمره ملودرام‌های عاشقانه قرار گرفته و وجه اشتراک آنها هم استقبال گسترده مخاطبان از این آثار بوده است. از «عشق گمشده»، «دلنوازان» و «فاصله‌ها» در دهه هشتاد تا «دختران حوا»، «آوای باران» و «ملکه گدایان» که این آخری را برای شبکه نمایش خانگی ساخته است. سهیلی‌زاده در فیلم «نیلگون» به عنوان نخستین تجربه سینمایی خود که به تازگی اکران آنلاین خود را از فیلم‌وآغاز کرده، همین مسیر را ادامه داده و تلاش کرده تا ملودرام عاشقانه‌ای را با بهره‌گیری از مؤلفه‌ها و کلیشه‌های آشنا و امتحان پس‌داده آن بسازد.

«نیلگون» در شروع به خوبی تماشاگر را با خود همراه کرده و وارد جهان خود و شخصیت‌های کم‌تعدادش می‌کند. جایی که شهاب در یکی از غارهای اطراف جزیره قسم همراه چند نفر دیگر مشغول حفاری برای پیدا کردن عتیقه هستند که زдохوردی میان‌شان رخ داده و شهاب از مهلکه می‌گریزد. با ورود نیلگون به قصه، وجوه ملودرام بر اکنش سکانس‌های اولیه غلبه کرده و سمت و سوی تازه‌ای پیدا می‌کند. جایی که سیروان به عنوان یک رقیب وارد قصه شده و مابین شهاب و نیلگون قرار می‌گیرد. خواستگاری سیروان از قهرمان فیلم و متعاقب آن مواجهه او با شهاب را می‌توان نقطه عطف نخست فیلمنامه به حساب آورد که پیچ مناسبی به قصه داده و تماشاگر را منتظر فرجام کار نگه می‌دارد. بایک کایدان به عنوان نویسنده فیلمنامه، در پرده نخست چند کاشت اطلاعات انجام داده تا در پرده گشایشی از آن استفاده کند. از طرف دیگر شخصیت‌های کم‌تعداد خود را به گونه‌ای شکل داده که عشق تم اصلی فیلم شده و در عین حال به علاقه‌ای که ریشه در کودکی‌شان دارد، گره بخورد.

عکس نوشت



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید



هیچ چیز در دنیا دشوارتر از صمیمیت و صراحت واقعی نیست و هیچ چیز هم آسان‌تر از تملق بی‌جا وجود ندارد.

جانیت و مکافات  
فوتودور داستایوفسکی

پیشنهاد

زنی از سرزمین جنگ و خون

«عایده» کتابی از محبوبه سادات رضوی نیا و روانیگر قابی از مقاومت زنان لبنانی است. عایده یک روایت مادرانه است؛ روایتی آغشته به اشک و غرور. داستان زندگی زنی که از بدو تولد در جنگ و ستیز با دشمن بوده و در نهایت فرزندش در راه حفاظت از میهن شهید می‌شود. «عایده سرور»، مادر شهید علی عباس اسماعیل، از رزمندگان حزب‌الله لبنان، در کتابی به همین نام زندگی خود را از کودکی تا زمان مادر شدن و به شهادت رسیدن فرزندش تعریف می‌کند.

عایده از کودکی جسور و متفاوت است. او به میل و اراده خود در راه دین و ایمان قدم می‌گذارد و با همت کودکانه‌اش به کنکاش در مفاهیم دینی و الهی می‌پردازد. او از کودکی شاهد جنگ‌های متعددی در سرزمینش بوده و دشمن را به چشم خود دیده است. در روایتی از کودکی‌اش از رودرویی با آنها سخن می‌گوید؛ از اینکه مقابل چشم غاصبان خاکش ایستاده و تنفر و بی‌زاری‌اش را بیان کرده است.

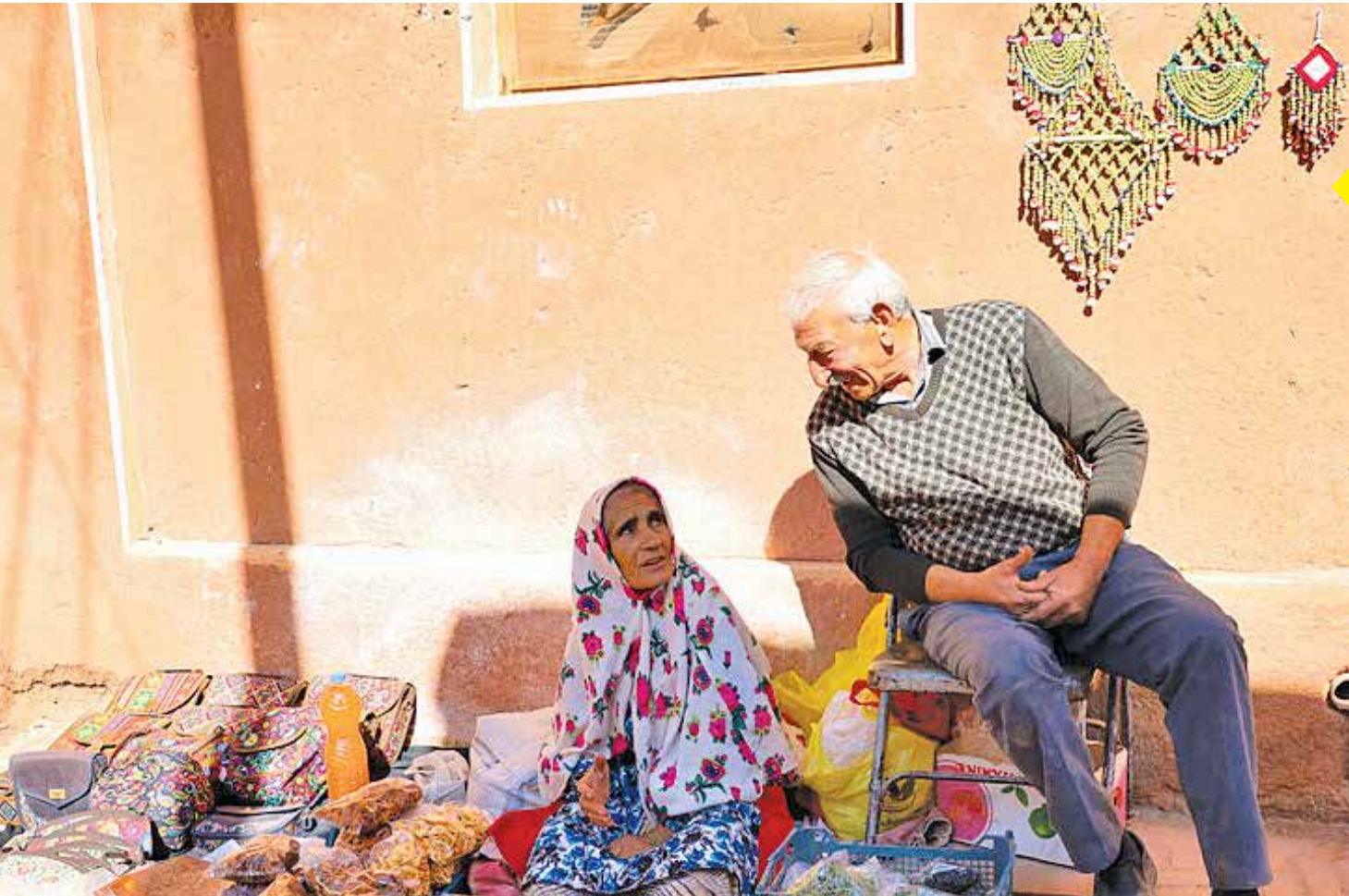
عایده شاهد رفتن جوانان بسیاری بوده که برای پاسداری از خاکی که نامش وطن است، جان خود را از دست داده‌اند و جوانی‌شان را در این راه گذاشته‌اند. برای همین نه تنها خودش که تمام اطرافیان خود را نیز مجبور و وادار می‌کند در این راه فعال باشند. شجاعت و جسارت این زن لبنانی از روایت‌ها و بخش‌های انتخاب شده زندگی‌اش گویاست. او فعالیت در حزب مقاومت را به میل خودش انتخاب کرده است. زن داستان، حتی در انتخاب همسر هم شجاعانه رفتار می‌کند و با مردی که جزو مقاومت حزب‌الله است ازدواج می‌کند تا همواره در کنار مردمانی که جانشان را برای حفظ وطن گذاشته‌اند حضور داشته باشد. ازدواج عایده با عباس اسماعیل، مردی که در جبهه مقاومت فعالیت دارد، دنیای عایده را پربراز و هدفش را پررنگ‌تر می‌کند. شهید علی عباس اسماعیل، دومین فرزند او است؛ فرزندی که بر خلاف برادر بزرگ‌تر، شیطنت و جسارت‌های خودش را دارد.

این شهید لبنانی گویا از بدو تولد هدف و آینده خود را می‌دانسته است. او از همان دوران طفولیت برای پیوستن به جبهه مقاومت و پاسداری از میهن، شور و اشتیاقش را نشان می‌دهد و در سن هفده سالگی راه انتخاب شده‌اش را با خون گرم و معطرش تا ابد گلگون می‌سازد. بی‌شک عطری که پس از شهادت این نوجوان لبنانی از خوش‌برخاسته و شامه‌حاضران در صحنه را نوازش داده، به انس با قرآن و شنیدن سوره‌هایی که مادر در زمان پرورش او در بطنش دل به آنها می‌سپرد، مرتبط است.

شخصیت اصلی کتاب، قصه‌گوی خوبی است. می‌داند چطور و چگونه برش‌های اصلی زندگی‌اش را در اختیار مخاطبش بگذارد. راوی با حافظه شفاهی و قوی‌اش، توانسته با روایت‌هایی از پسر شهیدش، شخصیت واقعی او را به مخاطب معرفی کند. پسر بدله‌گو و پرانرژی‌ای که در سن کم، زندگی را خوب فهمید و مهم‌تر از همه، آن را خوب زیست؛ شهیدی که مخاطب دوست دارد بیشتر از چیزهایی که در کتاب ذکر شده، از او بشنود و بداند.

کتاب «عایده» به قلم محبوبه سادات رضوی نیا که به همت انتشارات مهر روانه کتابفروشی‌ها شده، نه تنها داستان زندگی عایده و فرزندان‌ش، بلکه داستان یک کشور است. نویسنده با ریز شدن به جزئیات زندگی شخصیت اصلی و دیدن رسم و رسوم مردمانش، به خوبی از پس نشان دادن محیط زیسته عایده برآمده است. مخاطب به خوبی با سنت و خلق‌و‌خو و منش، همین‌طور خوراک‌های لبنان آشنایی می‌شود و بوی خوش این کشور همیشه در جنگ را استشمام می‌کند.

کتاب «عایده» را باید خواند، نه فقط به خاطر اینکه مادر یک شهید است. این کتاب را به خاطر تمام مردم لبنان باید خواند. برای جنگیدن و شکست‌ناپذیر بودنشان. عایده نه تنها مادر شهید علی عباس اسماعیل، بلکه نماینده تمام مادران سرزمینش است؛ مادرانی که در جنگ و سختی فرزندان خود را بزرگ می‌کنند و در نهایت فروتنی و سخاوت در راه پاسداری از حد و مرزشان، آنها را به جبهه‌های جنگ می‌سپارند.



بخشی از جلوه فرهنگی شهرها و روستاهای ایران به سبک معماری و تنانس آن با جغرافیای این مناطق بازمی‌گردد، مانند ایبانه که یکی از روستاهای دیدنی نطنز در استان اصفهان است و طرفداران زیادی هم میان گردشگران داخلی و خارجی دارد. ایبانه از معدود روستاهای ایران است که اهالی‌اش همچنان پوشش سنتی خود را حفظ کرده‌اند. آن را حفظ کرده‌اند، رنگ سرخ ساختمان‌های کوچک‌ها، ترکیب کوچه‌های تودر تود، بناهای تاریخی گوناگون، پنجره‌های هندسی، درهای منبت‌کاری و... برای هر بیننده‌ای در این روستا دیدنی و جذاب است.

عکس:

زهرا بیگی ایسنا